

نقش سازمان‌های بین‌المللی در تضمین اجرای حقوق بشر در قرن بیست و یکم

حمزه شفیعی زاده^۱، محمد آقایان حسینی^۲

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد واحد بندر عباس

۲- استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

چکیده

قرن بیست و یکم با تحولات بنیادین در عرصه حکمرانی جهانی و ظهور چالش‌های نوپدید، نیازمند بازتعریف و تقویت سازوکارهای تضمین حقوق بشر است. مقاله مروری حاضر با هدف بررسی جامع نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی در اجرای موازین حقوق بشری تدوین شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که مسیر تکامل حقوق بین‌الملل از رویکردهای حاکمیت‌محور به سمت تمرکز بر صلح پایدار و امنیت انسانی تغییر جهت داده است. با این وجود، نهادهای بین‌دولتی نظیر سازمان ملل متحد علیرغم دستاوردهای مهم در هنجارسازی و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی، همچنان در مرحله اجرا با موانع ساختاری، محدودیت‌های بودجه‌ای و ملاحظات سیاسی قدرت‌های بزرگ مواجه‌اند. در این راستا، سازمان‌های غیردولتی با بهره‌گیری از استقلال نهادی، مستندسازی موارد نقض حقوق و مشارکت فعال در رویه‌های قضایی بین‌المللی، نقش بی‌بدیلی در جبران این خلاءها و توسعه موازین حقوق بشری ایفا می‌کنند. علاوه بر این، وقوع بحران‌های پیچیده ژئوپلیتیک و پیدایش حقوق نسل چهارم ناشی از توسعه فناوری‌های نوین و تغییرات اقلیمی، ضرورت اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و نوآوری‌های راهبردی در دیپلماسی بین‌المللی را دوچندان کرده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که برای ارتقای کارآمدی نظام جهانی حقوق بشر، اصلاح ساختار نهادهای رسمی، کاهش اثرگذاری وتو در موارد نقض فاحش حقوق بشر، تقویت هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و جامعه مدنی و تدوین اسناد حقوقی متناسب با اقتضائات عصر دیجیتال امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، سازمان‌های بین‌المللی، حکمرانی جهانی، سازمان‌های غیردولتی، حقوق بین‌الملل، حقوق نسل چهارم، قرن بیست و یکم.

مقدمه

مفهوم حقوق بشر و سازوکارهای تضمین آن در قرن بیست و یکم با تحولات ساختاری و هنجاری گسترده‌ای در عرصه حکمرانی جهانی مواجه شده است و این امر نیازمند بازبینی دقیق نهادهای بین‌المللی می‌باشد. با عبور از رویکردهای سنتی که صرفاً بر حاکمیت ملی تأکید داشتند، امروزه توسعه حقوق بین‌الملل به سمتی حرکت کرده است که حمایت از کرامت انسانی را در راس هرم هنجارهای جهانی قرار می‌دهد (لوچینبک، ۲۰۲۶). در این مسیر، گذار از تئوری به عمل یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های پیش روی جوامع انسانی بوده است و جهانی شدن حقوق بشر نقش بی‌بدیلی در الزام آور ساختن این هنجارها برای دولت‌ها ایفا می‌کند (آخوندی و جاهد، ۱۳۹۱). ضرورت تضمین اجرای این حقوق باعث شده است تا سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی به عنوان بازیگران کلیدی در معماری نظم نوین جهانی شناخته شوند. مبانی نظری حکمرانی جهانی نشان می‌دهد که اتکا به حاکمیت مطلق دولت‌ها دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع مدرن نیست و مداخله نهادهای فراملی برای پایش و تضمین حقوق بنیادین شهروندان به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شده است.

این نهادها با ایجاد شبکه‌ای از نظارت، گزارش دهی و پیگیری حقوقی، تلاش می‌کنند تا خلاءهای ناشی از ضعف یا بی‌ارادگی دولت‌ها در اجرای تعهدات حقوق بشری را جبران نمایند. با این حال، اثربخشی این سازمان‌ها همواره تحت تأثیر عواملی چون اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ، بحران‌های ژئوپلیتیک و محدودیت‌های ساختاری درون سازمانی قرار داشته است. در نظام بین‌الملل معاصر، قدرت نرم و ابزارهای دیپلماتیک به شدت با هنجارهای حقوق بشری گره خورده‌اند و مشروعیت بین‌المللی دولت‌ها در گرو پایبندی آنها به این اصول جهان شمول است. با توجه به گسترش روزافزون نقض حقوق بشر در سایه جنگ‌های نوین و فناوری‌های نوپدید، بازنگری در کارکرد نهادهای ناظر بیش از پیش احساس می‌شود. مقاله حاضر با هدف بررسی جامع نقش این نهادها تدوین شده است تا نشان دهد چگونه سازوکارهای بین‌المللی در بستر تحولات قرن جدید توانسته‌اند به پیشبرد اهداف حقوق بشری کمک کنند. ساختار این پژوهش در شش بخش مجزا تنظیم شده است که پس از مقدمه، به بررسی تحول تاریخی حقوق بین‌الملل، عملکرد نهادهای بین‌دولتی، جایگاه سازمان‌های غیردولتی، چالش‌های نوپدید و بحران‌های جاری و در نهایت جمع‌بندی راهبردها می‌پردازد.

تحول تاریخی حقوق بین‌الملل و مفهوم حقوق بشر در قرن بیست و یکم

نظام حقوق بین‌الملل در مسیر تکامل خود شاهد تغییرات بنیادین در رویکرد نسبت به انسان و حقوق او بوده است و این تغییرات مستقیماً در ساختار سازمان‌های بین‌المللی بازتاب یافته‌اند. در ادوار گذشته، تمرکز اصلی حقوق بین‌الملل بر تنظیم روابط میان دولت‌ها و مدیریت توسل به زور استوار بود، اما با پایان جنگ‌های جهانی و شکل‌گیری نظام ملل متحد، رویکرد به سمت صلح پایدار و امنیت انسانی تغییر جهت داد (فضائی و کرمی، ۱۳۹۹). این دگرگونی پارادایمیک موجب شد تا فرد از یک موضوع صرفاً داخلی به یک تابع فعال در عرصه حقوق بین‌الملل ارتقا یابد. این تحول تاریخی نشان‌دهنده گذار از یک سیستم مبتنی بر قدرت سخت به سیستمی است که در آن حقوق نرم و هنجارهای حقوق بشری به تدریج جایگاه محوری تری پیدا کرده‌اند. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و به دنبال آن میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقطه عطفی در مدون

سازی این هنجارها به شمار می‌رود. در قرن بیست و یکم، روند تکامل حقوق بشر با سرعت بیشتری ادامه یافته و ابعاد جدیدی از تعهدات بین‌المللی را برای دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تعریف کرده است (حمید، ۲۰۲۶).

این دوره با ظهور مفاهیم نوینی همچون مسئولیت حمایت و گسترش صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی همراه بوده است که مرزهای سنتی حاکمیت ملی را به چالش میکشند. دکتربین مسئولیت حمایت صراحتاً بیان میدارد که اگر دولتی توانایی یا اراده محافظت از شهروندان خود در برابر جنایات فاحش را نداشته باشد، این مسئولیت به دوش جامعه جهانی منتقل خواهد شد. در این میان، نقش منشور سازمان ملل متحد به عنوان سند تاسیسی این نظام نوین بسیار حائز اهمیت است، هرچند که تأثیر آن در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه یکسان نبوده و همواره با انتقاداتی مبنی بر عدم توازن در اجرا همراه بوده است (موثقی، ۱۴۰۴). کشورهای توسعه یافته غالباً از این هنجارها برای پیشبرد سیاست خارجی خود بهره برده‌اند، در حالی که کشورهای در حال توسعه گاه آن را ابزاری برای مداخله در امور داخلی خود تلقی میکنند. با این وجود، شکل‌گیری نهادهای ناظر و معاهدات چندجانبه باعث شده است تا یک زبان مشترک جهانی برای مطالبه‌گری حقوق بشر ایجاد شود که فراتر از مرزهای جغرافیایی و ایدئولوژیک عمل میکند. در جدول شماره ۱ ادوار تاریخی و نهادهای کلیدی مرتبط با توسعه حقوق بشر تفکیک و ارائه شده است.

جدول شماره ۱: ادوار تاریخی و روند تکامل موازین بین‌المللی حقوق بشر

دوره زمانی	رویکرد غالب حقوقی	نهادهای کلیدی ناظر	تحولات و دستاوردهای عمده
پیش از جنگ جهانی اول	حقوق بین‌الملل کلاسیک، دولت محوری مطلق	دادگاه‌های داورى موقت، کنوانسیون‌های لاهه	تنظیم قواعد اولیه جنگ، فقدان سازوکار حمایت از افراد
دوران جامعه ملل (بین دو جنگ)	توجه محدود به حقوق اقلیت‌ها و کارگران	جامعه ملل، سازمان بین‌المللی کار (ILO)	تأسیس نظام قیمومت، استانداردهای اولیه حقوق کارگر
شکل‌گیری سازمان ملل (پس از ۱۹۴۵)	جهان شمولی حقوق بشر، تدوین معاهدات جامع	مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر، دیوان بین‌المللی دادگستری	تصویب منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین
دوران پس از جنگ سرد تا پایان قرن بیستم	دادگاه‌های کیفری اختصاصی، توسعه دموکراسی	دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی و رواندا، نهادهای منطقه‌ای	شکل‌گیری مفهوم مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل
قرن بیست و یکم	حقوق همبستگی، حقوق نسل چهارم، مسئولیت حمایت	شورای حقوق بشر، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)	سازوکار بررسی دوره ای جهانی، مواجهه با فناوری‌های نوپدید

نقش، ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌دولتی

سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی وابسته به آن در خط مقدم معماری نهادی برای تضمین حقوق بشر قرار دارند و عملکرد آنها شاخص اصلی ارزیابی موفقیت جامعه جهانی در این زمینه محسوب می‌شود. در این بستر، سازمان‌های بین‌المللی با استفاده از ابزارهای نظارتی، ظرفیت‌سازی و مداخلات بشردوستانه نقش محوری در ارتقا حقوق بشر و جلوگیری از نقض سیستماتیک آن ایفا میکنند (امینی نیا و عزیزی، ۱۴۰۲). ارکان مختلف سازمان ملل از جمله مجمع عمومی با صدور قطعنامه‌های قاطع و شورای امنیت

با اعمال تحریم های هدفمند یا مجوز توسل به زور، ابزارهای متنوعی را برای مقابله با بحران های حقوق بشری در اختیار دارند. شورای حقوق بشر سازمان ملل به عنوان عالی ترین رکن تصمیم گیری در این حوزه، از طریق سازوکارهایی نظیر بررسی دوره ای جهانی و انتصاب گزارشگران ویژه، تلاش میکند تا دولت ها را در قبال تعهداتشان پاسخگو نگه دارد. فرآیند بررسی دوره ای جهانی به دلیل ماهیت گفتمان محور و الزام به مشارکت تمامی دولت ها، توانسته است تا حد زیادی از سیاسی کاری های مرسوم در سیستم های قبلی بکاهد.

عملکرد گزارشگران ویژه همواره نیازمند رعایت دقیق اصل بی طرفی است تا اعتبار و اثربخشی گزارش های آنان در سطح بین المللی مخدوش نگردد، موضوعی که در بررسی پرونده های خاص مانند گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر برای کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران اهمیت مضاعفی می یابد (فرهمندزاد، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، حکمرانی جهانی در قرن بیست و یکم به شدت به کارآمدی این موسسات بین المللی وابسته است تا بتوانند در برابر فشارهای سیاسی و بحران های اقتصادی مقاومت کنند (بودیانا، ۲۰۲۴). با این حال، سازمان های بین المللی در زمینه حمایت از حقوق بشر در اوایل قرن جدید با مشکلات عدیده ای در حوزه عملکردی، از جمله کمبود بودجه، بوروکراسی سنگین و وتوی قدرت های بزرگ در شورای امنیت مواجه بوده اند (سرگیویچ و همکاران، ۲۰۲۱). استفاده مکرر از حق وتو توسط اعضای دائم شورای امنیت در مواجهه با فجایع انسانی، اعتبار نظام امنیت جمعی را به شدت تضعیف کرده است. علیرغم این چالش ها، نقش در حال تحول سازمان های بین المللی در بستر تغییرات ژئوپلیتیک و اقتصاد سیاسی بین الملل نشان دهنده تلاش مستمر برای سازگاری با شرایط جدید و یافتن راهکارهای نوآورانه برای تضمین اجرای اسناد حقوق بشری است (سینگ و همکاران، ۲۰۲۶). این انعطاف پذیری نهادی برای حفظ مشروعیت و کارآمدی نظام ملل متحد در مواجهه با ناقضان حقوق بشر کاملاً حیاتی به نظر میرسد. جدول ۲ به تفکیک این چالش ها و راهکارها پرداخته است.

جدول ۲: چالش های ساختاری و راهکارهای ارتقای عملکرد نهادهای بین دولتی حقوق بشری

نوع چالش	توصیف وضعیت موجود	پیامدها بر تضمین حقوق بشر	راهکارهای پیشنهادی
بن بست در شورای امنیت	استفاده ابزاری از حق وتو توسط اعضای دائم در بحران ها	تداوم نقض فاحش حقوق بشر و بی کفایتی آمران و عاملان	محدودسازی حق وتو در موارد جنایات جنگی و نسل کشی
محدودیت های مالی و بودجه ای	وابستگی نهادها به کمک های داوطلبانه دولت های قدرتمند	کاهش استقلال نهادها و توقف پروژه های حمایتی بلندمدت	تعیین بودجه مستقل و الزام آور برای برنامه های حقوق بشری
بوروکراسی و کندی در واکنش	طولانی بودن فرآیندهای تصمیم گیری در ارکان سازمان ملل	تاخیر در امدادسانی و عدم کارایی در جلوگیری از فجایع فوری	ایجاد مکانیسم های واکنش سریع و تفویض اختیارات ویژه
سیاسی شدن نظارت ها	اعمال استانداردهای دوگانه در بررسی وضعیت حقوق بشر کشورها	کاهش مشروعیت نهادهای ناظر و مقاومت دولت های در حال توسعه	تقویت سازوکارهای جهان شمول مانند بررسی دوره ای جهانی (UPR)

جایگاه و اثربخشی سازمان های بین المللی غیردولتی در توسعه هنجارها

علاوه بر نهادهای بین دولتی، شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به عنوان بازوان اجرایی و نظارتی جامعه مدنی جهانی عمل میکنند و تاثیر شگرفی بر توسعه رویه‌های حقوق بشری دارند. این سازمان‌ها با فعالیت در حوزه‌های آگاهی بخشی، مستندسازی نقض حقوق بشر و لابی‌گری دیپلماتیک، نقش مهمی در توسعه و تدوین قواعد جدید حقوق بین‌الملل ایفا کرده‌اند (شاهی و جلالی، ۱۳۹۱). سازمان‌هایی نظیر عفو بین‌الملل و دیده بان حقوق بشر با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاعاتی محلی و انتشار گزارش‌های مستند، هزینه‌های سیاسی و حیثیتی نقض حقوق بشر را برای دولت‌های خاطی به شدت افزایش میدهند. یکی از بارزترین عرصه‌های مداخله این نهادها، مشارکت در روندهای قضایی و شبه قضایی بین‌المللی است، به گونه‌ای که سازمان‌های غیردولتی از طریق ارائه نظرات مشورتی و گزارش‌های مستقل، حمایت موثری از حقوق بشر در رویه محاکم منطقه‌ای نظیر دادگاه اروپایی حقوق بشر به عمل آورده‌اند (عبیری، ۱۳۹۱). این مداخله تخصصی تحت عنوان دوستان دادگاه باعث غنای رویه قضایی و توجه قضات به ابعاد پنهان نقض حقوق شهروندان شده است.

ارزیابی اثربخشی این سازمان‌ها از زمان تاسیس سازمان ملل تا قرن بیست و یکم نشان میدهد که نهادهای بسیار موفق دارای ویژگی‌های مشترکی چون استقلال مالی، پایگاه مردمی گسترده، تخصص‌گرایی و توانایی ایجاد ائتلاف‌های فراملی هستند (ادواردز، ۲۰۰۹). این نهادها با بهره‌گیری از کمپین‌های رسانه‌ای و بسیج افکار عمومی، قادرند فشاری مضاعف را از پایین به بالا بر تصمیم‌گیران دولتی وارد آورند. این سازمان‌ها توانسته‌اند صدای قربانیانی باشند که در ساختارهای رسمی دولت محور شنیده نمیشوند و از این طریق، موازنه قدرت را به نفع شهروندان تغییر دهند. چابکی نهادی و عدم وابستگی به منافع دولت‌ها به سازمان‌های غیردولتی اجازه میدهد تا در بحران‌هایی که نهادهای رسمی به دلیل ملاحظات سیاسی فلج شده‌اند، با سرعت و قاطعیت بیشتری وارد عمل شوند. حضور فعال این سازمان‌ها در کنفرانس‌های بین‌المللی و نقش‌آفرینی در نگارش پیش‌نویس معاهدات، نشان‌دهنده گذار از دیپلماسی سنتی دولتی به سمت دیپلماسی چندمسطره و مشارکتی است. در نهایت، هم‌افزایی میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی میتواند به ایجاد یک شبکه حفاظتی چندلایه منجر شود که امکان فرار از مجازات را برای ناقضان حقوق بشر به حداقل میرساند.

بحران‌های ژئوپلیتیک، حقوق نسل چهارم و چالش‌های نوپدید قرن بیست و یکم

قرن بیست و یکم آبستن بحران‌های پیچیده و چالش‌های نوپدیدی است که مستقیماً زیرساخت‌های حقوق بشر و کارآمدی نهادهای بین‌المللی را هدف قرار داده‌اند. منازعات مسلحانه بین دولتی، به ویژه در مقیاس وسیع، یکی از مهمترین تهدیدات علیه حقوق بنیادین انسان‌ها به شمار میرود و مطالعه موردی منازعه روسیه و اوکراین نشان میدهد که چگونه ساختارهای فعلی در پیشگیری و توقف بحران‌های بزرگ بین‌المللی با کاستی‌های جدی مواجه‌اند (مرزبانی، ۱۴۰۳). در این فضا، دیپلماسی نوین نیازمند نوآوری‌های راهبردی برای حفظ و ارتقای موازنه حقوق بشری در میان تنش‌های فزاینده ژئوپلیتیک است تا بتواند از تبدیل شدن حقوق انسان‌ها به وجه المصلحه در مذاکرات سیاسی جلوگیری کند (کارکوت، ۲۰۲۵). فراتر از جنگ‌های کلاسیک، تحولات سریع تکنولوژیک و تغییرات اقلیمی منجر به ظهور حقوق نسل چهارم شده است که تنظیم‌گری و حمایت از آنها نیازمند رویکردهای بدیع از سوی سازمان‌های بین‌المللی است (سپینسکی، ۲۰۲۲). مباحثی نظیر حریم خصوصی در فضای دیجیتال، هوش مصنوعی، ژنتیک و حقوق محیط زیست مرزهای سنتی حقوق بشر را گسترش داده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای حکمرانی جهانی به همراه آورده‌اند.

گسترش الگوریتم‌های نظارتی و نقض سیستماتیک حریم خصوصی کاربران توسط غول‌های فناوری، ابعاد جدیدی از نقض حقوق مدنی را رقم زده است که مقابله با آن فراتر از توان قانون‌گذاری دولت‌های ملی به صورت منفرد است. حکمرانی جهانی حقوق بشر در این قرن همزمان با فرصت‌های بی‌نظیری برای ارتباطات فراملی و بسیج افکار عمومی روبرو است، اما در عین حال با چالش‌های عظیمی نظیر اخبار جعلی، پوپولیسم و افراط‌گرایی نیز دست و پنجه نرم میکند (البکری و همکاران، ۲۰۲۴). سازمان‌های بین‌المللی باید با ارتقای ظرفیت‌های فناورانه و حقوقی خود، سازوکارهای جدیدی برای رصد و مقابله با این اشکال نوین نقض حقوق بشر طراحی کنند تا بتوانند از حقوق شهروندان در عصر دیجیتال و در برابر بازیگران قدرتمند غیردولتی نظیر شرکت‌های چندملیتی فناوری نیز محافظت نمایند. جدول ۳ مروری بر این حقوق نوپدید و راهبردهای نهادی برای تنظیم‌گری آنها ارائه میدهد.

جدول ۳: ابعاد و مولفه‌های حقوق نسل چهارم و نقش نهادهای تنظیم‌گر بین‌المللی

حوزه حقوق نوپدید (نسل چهارم)	مصادیق بارز و تهدیدات جاری	بازیگران اصلی نقض‌کننده	راهبردها و نقش سازمان‌های بین‌المللی
حقوق محیط زیست و اقلیم	گرمایش زمین، نابودی تنوع زیستی، آوارگان اقلیمی	دولت‌های صنعتی، شرکت‌های چندملیتی، صنایع آلاینده	تدوین کنوانسیون‌های الزام‌آور کربنی، تاسیس دیوان عدالت اقلیمی
حقوق دیجیتال و سایبری	نقض حریم خصوصی، الگوریتم‌های تبعیض‌آمیز، قطعی اینترنت	غول‌های فناوری (بیگ‌تک)، پلتفرم‌های اجتماعی، دولت‌ها	تصویب منشور جهانی حقوق دیجیتال، نظارت بر جریان آزاد اطلاعات
حقوق زیست فناوری و ژنتیک	دستکاری ژنتیکی انسان، شبیه‌سازی، بیوتروریسم	آزمایشگاه‌های تحقیقاتی، شرکت‌های داروسازی بین‌المللی	تدوین پروتکل‌های اخلاق زیستی جهانی، نظارت سازمان بهداشت جهانی
حق بر حقیقت و مقابله با جعل	انتشار اخبار جعلی، جنگ‌های شناختی، پوپولیسم دیجیتال	رسانه‌های دولتی، گروه‌های افراطی، شبکه‌های سازمان یافته	حمایت از روزنامه‌نگاری مستقل، ایجاد کارگروه‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی

نتیجه‌گیری و چشم‌انداز آینده نهادهای حقوق بشری

تضمین اجرای حقوق بشر در معماری پیچیده قرن بیست و یکم نیازمند یک بازنگری جامع در ساختار، مأموریت و ابزارهای سازمان‌های بین‌المللی است تا بتوانند پاسخگوی نیازهای متغیر جوامع انسانی باشند. یافته‌های این پژوهش نشان میدهد که اگرچه نظام ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی دستاوردهای چشمگیری در هنجارسازی و ایجاد رویه‌های قضایی داشته‌اند، اما در حوزه اجرا و الزام دولت‌ها به رعایت این موازین همچنان با موانع ساختاری روبرو هستند. برای پویایی مجدد و احیای اثربخشی حقوق بشر در قرن جدید، ضروری است که نهادهای بین‌المللی از رویکردهای صرفاً واکنشی فاصله گرفته و به سمت استراتژی‌های پیشگیرانه و مبتنی بر همکاری‌های چندجانبه حرکت کنند (هانوم، ۲۰۱۶). تقویت همگرایی میان نهادهای رسمی سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی، اصلاح ساختار شورای امنیت برای کاهش تأثیر حق وتو در موارد نقض فاحش حقوق بشر و ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به نقض حقوق نسل چهارم از جمله راهبردهای حیاتی در این مسیر به شمار می‌روند.

همچنین تدوین کنوانسیون‌های جدید بین‌المللی متناسب با اقتضائات فضای سایبری و تغییرات اقلیمی میتواند خلاءهای حقوقی موجود را برطرف سازد. گذار از مفاهیم انتزاعی به سازوکارهای عینی حمایت از بزه‌دیدگان، مستلزم تقویت بودجه‌ای نهادهای ناظر

و تضمین استقلال عمل گزارشگران بین المللی است. از سوی دیگر، مشارکت دادن کشورهای در حال توسعه در فرآیندهای تصمیم سازی جهانی میتواند مانع از ادراک این قوانین به عنوان ابزارهای هژمونیک غربی شود و پذیرش قلبی و عملی آنها را در سراسر جهان تسهیل نماید. در نهایت، موفقیت سازمان های بین المللی در تضمین حقوق بشر منوط به اراده جمعی جامعه جهانی برای اولویت بخشی به کرامت انسانی فراتر از منافع زودگذر سیاسی و اقتصادی است. تنها از طریق ایجاد یک نظام پاسخگویی شفاف، بی طرفانه و قدرتمند میتوان امیدوار بود که هنجارهای جهانی حقوق بشر از روی کاغذ به واقعیت زندگی روزمره شهروندان در سراسر جهان تبدیل شوند و صلح و امنیت پایدار را برای نسل های آینده به ارمغان آورند.

منابع

- آخوندی، محمود، و جاهد، محمدعلی. (۱۳۹۱). حقوق جهانی، از تئوری تا عمل با تاکید بر جهانی شدن حقوق بشر. پژوهش حقوق عمومی، ۱۴(۳۶)، ۱-۲۶.
- امینی‌نیا، عاطفه، و عزیزی، مینا. (۱۴۰۲). نقش سازمان‌های بین‌المللی در ارتقا حقوق بشر. در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی.
- شاهی، محمدشریف، و جلالی، محمود. (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین‌الملل. پژوهش‌های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، ۱۶(۲)، ۹۹-۱۲۶.
- عبیری، ارمغان. (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از حقوق بشر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. پژوهش‌های حقوقی، ۱۱(۲۲)، ۷۱-۹۶.
- فرهمندزاد، زینب. (۱۴۰۳). تاملی بر اصل بی‌طرفی ماموران ملل متحد؛ مطالعه موردی گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران. نشریه دولت و حقوق، ۵(۳)، ۵۹-۸۰.
- فضائلی، مصطفی، و کرمی، موسی. (۱۳۹۹). تحول تاریخی حقوق بین‌الملل توسل به زور تا شکل‌گیری نظام ملل متحد؛ بیم‌ها و امیدها. نشریه مطالعات دفاع مقدس، ۶(۱)، ۳۱-۶۰.
- مرزبانی، فروزان. (۱۴۰۳). حقوق بشر و بحران‌های بین‌المللی بین‌دولتی در قرن ۲۱: مطالعه موردی منازعه روسیه و اوکراین. د/تیکان، ۱۲(۱)، ۹-۱۲.
- موثقی، حسن. (۱۴۰۴). تحلیل نقش منشور سازمان ملل متحد در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل کشورهای توسعه‌یافته و حقوق بین‌الملل کشورهای در حال توسعه. نشریه فقه و حقوق نوین، ۶(۲۲)، ۶.
- Al-Bakrie, A., Yan, X. C., & Sulaeman, M. (۲۰۲۴). Human Rights in the ۲۱st Century: Challenges and Opportunities for Global Governance. *International Journal of Perspective on Law and Justice Studies*, 1(۱), ۱-۴.
- Budiana, M. (۲۰۲۴). Global Governance: The Role of International Institutions in the ۲۱st Century. *Journal of Law, Social Science and Humanities*, 1(۲), ۲۰۴-۲۱۹.
- Edwards, G. E. (۲۰۰۹). Assessing the effectiveness of human rights non-governmental organizations (NGOs) from the birth of the United Nations to the ۲۱st century: Ten attributes of highly successful human rights NGOs. *Mich. St. U. Coll. LJ Int'l L.*, 18, ۱۶۵.
- Hameed, S. S. S. (۲۰۲۶). The Evolution Of International Human Rights In The ۲۱st Century. *International Journal of Research in Political Science and Public Administration*, 2(۲), ۴۸-۵۷.
- Hannum, H. (۲۰۱۶). Reinvigorating human rights for the twenty-first century. *Human Rights Law Review*, 16(۳), ۴۰۹-۴۵۱.
- Karkout, W. (۲۰۲۵). Strategic Innovations in Diplomacy: Upholding Human Rights in the ۲۱st Century. In *Innovations and Tactics for 21st Century Diplomacy* (pp. ۵۱-۷۲). IGI Global Scientific Publishing.
- Lochinbek, M. (۲۰۲۶). THE ROLE OF INTERNATIONAL LAW IN PROTECTING HUMAN RIGHTS IN THE ۲۱st CENTURY. *BG pulse journal*, 2(۵), ۲۱۵۳-۲۱۵۷.

Sapinski, A. (۲۰۲۲). Analysis of the role of international organizations in the process of regulating the rights of the fourth generation: the main directions, the challenges of the time. *Futurity Economics&Law*, 2(۲), ۲۰-۳۴.

Sergeevich, G. N., Ivanovich, E. V., & Valeryevich, F. R. (۲۰۲۱). International organizations in the field of human rights protection and problems of their functioning at the beginning of the XXI century. *Process Management and Scientific Developments*, ۲۶.

Singh, N., Gupta, J. K., Kumar, S., Roy, A., & Upadhyay, A. (۲۰۲۱). The Evolving Role of International Organizations in the ۲۱st Century. In *Technology, Geopolitics, and the Transformation of International Political Economy* (pp. ۳۰۳-۳۳۲). IGI Global Scientific Publishing.